

## مالکیت و حدود آن در مورد نیروها

برق، تلفن، گاز، آب

ملاك تشخيص حدود



نظرم می‌آید که ده سال قبل چند نفر از کارآموزان در باره «تاریخچه تلگراف، تلفن و برق احکام آن» سؤال نموده بودند. لزوم به یادآوریست که تأسیس تلگرافی در کشور ما به سال ۱۲۳۷ شمسی باز می‌گردد که بدو بطور محدود در داخل مملکت ایجاد و سپس تا سال ۱۲۴۳ بین ایران و کشورهای نزدیک توسعه می‌یابد.

برق نیز ابتدا در مشهد (صحن مقدس امام هشتم ع) و بعد در همدان بوسیله اقبال‌الملک جولانی، سپس در تهران وسیله حاج امین‌الضرب و تلفن وسیله شرکت تلفن و بعد با سرمایه بخش خصوصی از طرف افراد دایر گردیده است.

چنانکه می‌دانیم حقوق و دعاوی مربوط به این تأسیسات و نیز رابطه حقوقی افراد با یکدیگر در این زمینه در قانون مدنی ما توضیح نشده است. ولی تعریفی که قانون مدنی در فصل اول از ماده ۱۲ تا ۱۹ در باب اموال غیر منقول و فصل دوم از ماده ۱۹ تا ۲۲ در اموال منقول، بخصوص ماده ۲۱، و فصل سوم از ماده ۲۳ و ۲۴ در باب اموال عمومی می‌کند، با توجه به صراحت ماده ۲۸ و مبحث اول و دوم از فصل اول و نیز در باب مزارعه و مساقات مواد ۵۱۸ تا ۵۴۵ جلد اول قانون مدنی و فصل ششم مواد ۵۴۶ و ۵۴۷ جلد اول قانون مدنی در باب تجارت و معاملات، مبداء و مبنائی برای بحث در موضوع مانع فیه بدست می‌آید.

ولی قبلاً تعرض به این نکته خالی از فایده نیست که در مورد سایر حقوق و مشارکت صنفی، در باب مضاربه و احیاء اراضی موات، حفظ خالصجات و موقوفات هم در قانون مدنی و هم در قانون ثبت ۱۳۱۰ براساس اصول قانون اساسی مقرراتی وضع گردیده بود؛ حتی در دوره جنگ دوم جهانی و پایان مدت ده سال (املاک

مجهول المالک) در اردیبهشت سال ۱۳۲۰ لایحه‌ای به مجلس داده و تصویب شد که هرگاه آن قانون با قانون ثبت اجرا می‌شود، امروز وضع حقوقی دیگری برقرار بود.

بدیهی است که مقررات موضوعه بالا از شرع مقدس اسلام اخذ گردیده، چنانکه حقوق اسلام در باب موقوفات و اموال عمومی احکام فراوان دارد یا در باب تجارت و معاملات آیه ۲۹ و ۳۰ «سوره نساء» بیان فرموده است و دستورهای آسمانی آن در هر زمان و بر هر حق خاص و عام دقیقترین راهنماست و علاوه از شناخت حق و باطل و تعریف حقوق به‌جامعه از نظر معنوی نیز درس اخلاق و رعایت حریم حقوق هرکس نسبت به دیگری را می‌دهد که همین بهترین مفاهیم واقعی اصول مشارکت است. مثلاً وقتی در احکام ارث، صاحبان فرض و قرابت دقت کنیم، ملاحظه می‌شود که با اختلاط اصول احکام آن با سایر حقوق، چه در مورد حقوق خصوصی و چه عمومی، حتی یک نکته فروگذار نشده است.

پس از این مقدمه بطور خلاصه در باب مالکیت و شعاع حق در نیروها عرض می‌کنم:

منابع طبیعی، آب، برق، تلفن، گاز، تلگراف و آنچه و هرچه نتواند در قالب تملک انحصاری قرار گیرد، حق است و بهره‌برداری از این حق باید با رعایت حق تمام شرکاء که از آن استفاده می‌کنند، صورت گیرد، به نحوی که هرکس در حدود سهم خود استفاده کند. مثل اینکه تقسیم آب برمدار وزن و کیل خود آب نیست، برمدار مجراست، یا برق یا تلفن نیرویی است که متعلق بهمه بوده، هرگاه کسی به‌تصور اینکه خود پول می‌دهد، در یک اطاق ده‌شعله لامپ صدولتی روشن کند یا از تلفن خود به ده نفر سهم بدهد و تمامی ۲۴ ساعت مشغول صحبت شود که خود پول می‌دهد، زیان آن به تمام افراد وارد شده و چه بسا باعث کمبود نیرو می‌گردد. رعایت این امور اخلاقی و معنوی است، با توجه به اینکه آب و برق در تمام دنیا مورد استفاده عموم است. و تلفن نیز وسیله اداره امور اجتماعی است، نه تفریح و باید در مواقع ضروری و با سخن کوتاه از آن استفاده شود. بزرگترین اعتباری که حقوق ایران در قیاس با حقوق سایر کشورها دارد، آنکه براساس تعالیم کتاب آسمانی ماست و در آن اصل‌الاضرر بر اصل سلطه مقدم است<sup>۱</sup> که این خود در موضوع بحث ما مفهوم و اثر فراوانی دارد.

۱) در این مورد شادروان دکتر موسی جوان در کتاب مبانی حقوق (جلد ۵) و بخصوص در یک جلد از آن بحث شافی در امتیازات حقوق اسلام و ایران نموده است.